

## کاربست ادله ضمان غار در حمایت از مصرف کننده

روح الله زارچی پور<sup>۱</sup>

**چکیده:** حمایت از مصرف کننده همواره دغدغه قانون گذاران پس از دوران توسعه زندگی شهری و صنعتی شدن تولید که منجر به ضعیف شدن مصرف کنندگان شد بوده است. موانع حمایت از این گروه، روشن نبودن مبانی فقهی حمایت از مصرف کننده، ترس از عدم رعایت عدالت بین تولید کننده و مصرف کننده و بیم دلسردی تولید کنندگان می باشد.

پژوهش حاضر درصدد کاربرد ادله ضمان غار در راستای حمایت مصرف کننده است. این ادله، به فرد خسارت دیده، بر اثر غرور، امکان می دهد تا به غار رجوع کند و بدین وسیله از مصرف کننده ای که به دلیل پیچیده شدن فرآیند تولید، از خصایص کالا اطلاع ندارد، یا آموزش لازم جهت استفاده از کالا به او ارائه نشده، یا از کالای خطرناک دچار آسیب و ضرر شده است حمایت های لازم صورت گیرد. رجوع به ادله ضمان غار برای مصرف کننده سه مزیت دارد: الف) این ادله علاوه بر روابط قراردادی، در روابط غیر قراردادی هم جاری می شود؛ ب) برای خساراتی اعم از تضییع و تلف مال قابلیت استناد دارد؛ ج) طبق ادله، غار چه عالم باشد چه جاهل، در مقابل مصرف کننده ضامن است. تمسک به ادله ضمان غار مسیر را برای مسئولیت تضامنی بین تولید کننده و زنجیره فروشندگان هموار کرده و مصرف کننده از این جهت در وسعت قرار می گیرد.

**کلیدواژه ها:** مصرف کننده، غرور، تولید کننده، حمایت، خسارت، ضمان.

### مقدمه

از موضوعاتی که در دوران اخیر شاخه ای از حقوق را به خود اختصاص داده بحث حقوق مصرف کننده است. مصرف کننده هر شخص حقیقی یا حقوقی است که کالا یا خدمتی را خریداری می کند (قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان، ۱۳۸۸، ماده ۱) یا نسبت به تهیه آن اقدام می کند. امروزه به دلیل توسعه زندگی شهری، صنعتی شدن تولید کالاها و برتری قشر تولید کننده از نظر سرمایه و تخصصی که در تولیداتشان دارند، مشاهده می کنیم که تولید کنندگان

۱. دانش آموخته مقطع دکتری رشته فقه و حقوق خصوصی (نویسنده مسئول).

کالا قدرت قابل ملاحظه‌ای نسبت به مصرف‌کنندگان پیدا کرده‌اند آنچنان که مصرف‌کنندگان به واسطه نقاط ضعفی که دارند بازیچه دست آنها قرار می‌گیرند و اگر حقوق ویژه‌ای برای مصرف‌کنندگان در نظر گرفته نشود توان حمایت از خود را نخواهند داشت و جامعه به تدریج از عدالت اجتماعی فاصله خواهد گرفت.

با این حال متأسفانه سازوکارهای فقهی حمایت از مصرف‌کننده مغفول مانده است و پژوهشی که راهکارهای عملی حمایت از مصرف‌کننده از منظر فقه امامیه را ارائه داده باشد کم‌تر به چشم می‌خورد. ما معتقدیم با به کارگیری ادله ضمان غار می‌توان از مصرف‌کننده حمایت جدی به عمل آورد. ادله ضمان غار عبارتند از: روایت منسوب به نبی اکرم (ص)، روایات و سیره عقلا. برآورد ادله مذکور این است که هرگاه فردی با مغرور کردن دیگران سبب خسارت شود ضامن است و مصرف‌کننده‌ای که مورد تخریب قرار گرفته با تمسک به این حکم می‌تواند به غار رجوع نماید، لکن برای استفاده شایسته و مطلوب از ادله ضمان غار در راستای حمایت از مصرف‌کننده باید این ادله را مورد کنکاش قرار داد.

در حوزه «حمایت از مصرف‌کننده در فقه امامیه» چند اثر تالیف شده است:

۱. پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «مطالعه تطبیقی حقوق مصرف‌کننده در فقه امامیه، حقوق ایران و امریکا» اثر بهزاد پورسید که در سال ۱۳۸۸ در دانشگاه امام صادق (ع) تالیف شده است؛ ۲. مقاله «حمایت از حقوق مصرف‌کننده و قلمرو آن در فقه شافعیان و امامیه» اثر رئوف رهنمون که در تابستان ۱۳۹۰ در مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی به چاپ رسیده است؛ ۳. پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی حمایت از حقوق مصرف‌کننده از منظر فقه امامیه» اثر عبدالحسین فکوری زاد که در سال ۱۳۹۳ در دانشگاه شهید بهشتی دفاع شده است.

پژوهش‌های نامبرده، حقوقی که برای مصرف‌کننده در قوانین کشورهای خارجی بیان شده را اصل قرار داده و سپس سعی کرده‌اند از میان متون فقه امامیه ادله‌ای برای این حقوق بیابند، اما پژوهش حاضر فقه امامیه را اصل قرار داده و سعی در ارائه راهکارهایی جدید براساس آن دارد، بدون اینکه حقوق از پیش تعریف شده برای مصرف‌کننده در دیگر ملل را بر فقه امامیه تحمیل کند. ضمن اینکه در هیچ‌یک از پژوهش‌هایی که در حوزه حقوق مصرف‌کننده نگاشته شده است از ادله غرور به عنوان راهکار حمایت از مصرف‌کننده بهره‌ای برده نشده است.

نوآوری و تمایز پژوهش حاضر، استفاده از ادله فقهی ضمان غار است که به مصرف‌کننده

امکان می‌دهد هم در روابط قراردادی و هم روابط غیر قراردادی به افرادی که به او خسارت وارد کرده‌اند رجوع نماید، و این در حالی است که یکی از مشکلات اساسی مصرف‌کنندگان برای احقاق حق خویش، فقدان رابطه قراردادی بین آنها و تولیدکنندگان است و حقوق‌دانان از عهده حل این مشکل بر نیامده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۴۸). علاوه بر این، با استناد به ادله ضمان غار، مصرف‌کننده نیازی به اثبات تقصیر یا علم غار ندارد. با آنچه ذکر شد روشن می‌شود که تمسک به ادله ضمان غار در حمایت از مصرف‌کننده بسیار راهگشاست.

تبیین نظریه «حمایت از مصرف‌کننده با بهره‌وری از ادله ضمان غار» با پژوهش پیرامون پرسش‌های ذیل محقق می‌شود:

۱. در مواردی که تولیدکننده یا فروشنده علم یا قصد فریب مصرف‌کننده را نداشته باشد، آیا مصرف‌کننده با تمسک به ادله ضمان غار حق دارد به وی رجوع نماید؟ به عبارتی ادله ضمان غار اختصاص به حالت عالم بودن غار دارد، یا حتی در صورت جهل غار نیز قابل استناد می‌باشد؟
  ۲. با توجه به اینکه از مهم‌ترین حقوق مصرف‌کننده آگاه‌سازی او نسبت به ویژگی‌های کالا، خطرات و عوارض آن، و نحوه استفاده از کالا است، آیا با بهره‌گیری از ادله ضمان غار می‌توان این حقوق را برای مصرف‌کننده اثبات کرد و در صورت تخلف تولیدکننده حکم به ضمان وی نمود؟
  ۳. در روابط غیر قراردادی اگر کالای عرضه شده از لحاظ کمی یا کیفی دچار نقصان باشد، یا تولیدکننده با تبلیغات غلوآمیز یا تقلب به مصرف‌کننده خسارت وارد کند، آیا مصرف‌کننده حق دارد با استناد به ادله غرور به تولیدکننده یا عرضه‌کننده کالا رجوع نماید؟
  ۴. با توجه به ادله، اگر مصرف‌کننده در اثر خرید یا استفاده از کالا ضرر کند آیا فقط حق دارد به تولیدکننده رجوع کند یا به واسطه‌های فروش هم می‌تواند رجوع کند؟ آیا ضمان آنها طولی است یا عرضی؟
- بدیهی است پژوهش حول پرسش‌هایی از این قبیل که نقش ادله ضمان غار در حمایت از مصرف‌کننده را روشن می‌کند، منوط به بررسی ادله ضمان غار، مفاهیم به کار رفته در آن، مراجعه به متون فقهی و تحقیق در مصادیق است.

## ۱. بررسی ادله ضمان غار

مسئله ضمان غار در بحث ضمانات کاربرست چشم‌گیری دارد (فشارکی، ۱۴۱۳: ۵۸۳؛ علامه حلی،

۱۴۱۴، ج ۱۵: ۱۴۵) و ادله متعددی برای آن ذکر شده است، لکن قبل از بررسی ادله باید خاطر نشان کرد که در صورت وجود دلیل لفظی مطلق برای ضمان غار، در مواردی که در غار بودن یک مصداق شک کنیم می توان به اطلاقش تمسک نموده برخلاف صورتی که به دلیل لبی مثل اجماع استناد شود و مصرف کننده از این لحاظ در وسعت قرار می گیرد. توجه به این نکته لازم است که هرچه دایره شمول ضمان غار گسترده تر باشد، تعداد بیش تری از مصرف کنندگان مغرور به ادله ضمان غار تمسک نموده و بالتبع حمایت مطلوب تری از آنها صورت می گیرد.

### ۱-۱. روایت نبوی

از دلایل مذکور برای ضمان غار، عبارتی منسوب به حضرت رسول (ص) است: «الْمُغْرورُ يَرْجِعُ إِلَى مَنْ غَرَّهُ» (کرکی عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۲۹۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۷: ۱۴۵). کسانی که این عبارت را دلیل ضمان غار می دانند معتقدند جمله مزبور روایتی مرسل است و عمل مشهور اصحاب به این روایت و تلقی به قبولشان، جابر ضعف سند می باشد (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۴: ۲۹۶؛ مراغی حسینی، ۱۴۷، ج ۲: ۴۴۳؛ نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۲۷۴). اما عبارت «الْمغرور يرجع إلى من غره» حتی در یک روایت ضعیف هم وارد نشده (خویی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۶۵) و شهرت عملی به شرطی جابر ضعف سند است که اصل وجود حدیث مشکوک نباشد. بنابراین قول به روایت بودن عبارت مذکور مشکل است، لکن چون اصحاب در عمل به مفاد عبارت مذکور اتفاق دارند (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۳: ۴۹۹) می توان آن را به عنوان یک قاعده مورد پذیرش قرار داد.

### ۱-۲. روایات خاصه

از ادله قابل استناد برای ضمان غار، تعدادی از روایات وارد شده در ابواب نکاح، عبد و آمه و شهادت می باشد. ممکن است تصور شود که این روایات مختص به همان ابوابی است که روایت از آن موضوع صحبت کرده است و لذا تعدی از مورد روایات جایز نمی باشد (حسینی شاهرودی، بی تا، ج ۲: ۴۸۲)، لکن به نظر نگارنده این روایات خصوصیتی ندارد و در آنها، یا وصف مشعر به علیت است و یا خود امام (ع) علت رجوع به غیر برای دریافت خسارت را به صراحت ذکر کرده اند. لذا با اسباب تسریه حکم مانند تنقیح مناط و الغای خصوصیت، می توان از ادله ضمان غار در همه ابواب فقهی و خصوصاً در مسأله حمایت از مصرف کننده استفاده کرد. به این عبارت توجه کنید:

«و الإشکال فی دلالتها بعدم إمكان التعدی غیر صحیح، لعدم الخصوصیه لموردها، فیکون الظاهر أنّ العله هی أحد العناوین المعلّله بها» (موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۳۹۳).

روایاتی که برای ضمان غار به آنها استناد شده فراوان است. به جهت اختصار چند نمونه که ارتباط مستقیم با مسأله حمایت از مصرف‌کننده دارد، ذکر می‌شود:

۱. از امام صادق (ع) سوال شد در مورد مردی که زنی را از ولی‌اش خواستگاری نموده و بعد از دخول در او عیبی دیده است. امام (ع) در ضمن پاسخی طولانی می‌فرمایند: آن زن را بدون طلاق به اهلش برمی‌گرداند و مهریه‌ای که پرداخته را از ولی او که تدلیس کرده می‌گیرد...<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۴۰۸).

۲. در روایتی نظیر روایت قبل، امام (ع) مهریه را برعهده کسی می‌گذارند که زن معیوب را به ازدواج مرد درآورده است و بعد علت این حکم را ذکر می‌کنند: «وَ إِنَّمَا صَارَ الْمَهْرُ عَلَيْهِ لِأَنَّهُ دَلَّسَهَا». سپس می‌فرمایند اگر کسی که مرد را به ازدواج زن درآورده از عیب مطلع نبوده است مهریه بر عهده خود زن است<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۴۰۷).

هر دو روایت صحیح است. عبارت «الذی کان دلّسها» در روایت اول اشاره به علت بودن وصف داشته و از این رو قابلیت استفاده عموم از آن وجود دارد. در روایت دوم نیز خدعه و تدلیس صریحا علت ضمان شمرده شده و چون امام (ع) علت را ذکر کرده‌اند، می‌توان قیاس منصوص‌العله تشکیل داده و حکم را به تمام مواردی که غرور و تدلیس باعث خسارت دیگری شده، تعمیم داد. بنابراین مصرف‌کننده‌ای که در معامله فریب خورده و متضرر شده است می‌تواند به استناد این روایت خسارت خود را از تولیدکننده یا فروشنده‌ای که خسارت به او استناد دارد مطالبه کند.

نکته: ما در بررسی مفهوم غرور اثبات خواهیم کرد که عرف و لغت بین غرور و تدلیس تفاوت قائل نیستند و از این جهت اشکالی در استدلال به روایت وجود ندارد.

۳. مردی دختری را از پدرش خواستگاری کرد، اما پدر فردی غیر از دخترش را به ازدواج او درآورد و از زن فرزندی متولد شد و زوج فهمید که همسرش دختر آن فرد نبوده، بلکه کنیز بوده است. حضرت (ع) فرمودند: کسی که کنیز را به ازدواج مرد درآورده باید قیمت فرزند را به موالی کنیز بدهد، همان‌گونه که مرد را مغرور کرده و فریب داده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۴۰۸).

نگارنده معتقد است عبارت « كَمَا غَرَّ الرَّجُلُ وَ خَدَعَهُ » در این صحیحه، اشاره دارد که مناط

رجوع به مزوج، غرور و خدعه است. نکته مهم این است که چون این روایت در مورد کنیز و ولد اوست، و کنیز چون کالایی مورد معامله قرار می گرفته است، فهمیده می شود که رجوع مغرور به غار اختصاص به مهریه و نکاح ندارد و ضمان غار با الغای خصوصیت به ابواب دیگر نیز قابل سرایت است.

۴. درباره زنی که دو شاهد نزدش شهادت دادند که همسرش فوت کرده و آن زن ازدواج کرده، سپس زوج اولش بازگشته است، حضرت (ع) فرمودند زوج دوم باید مهریه را بپردازد و شاهدان حد می خورند و ضامن مهر هستند به دلیل اینکه مرد را مغرور کرده اند (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳: ۶۰).

برآیند نهایی در مورد دلّیلت روایات خاصّه اینکه به طور کلی مغرور حق دارد در خسارت وارده، به غار رجوع کند و این حکم منحصر به باب خاصی نیست، اما در برخی از روایات این باب نکات دقیقی هست که در بحث حمایت از مصرف کننده کاربرد دارد و در بخش سوم پژوهش حاضر از آنها بهره می گیریم.

### ۳-۱. سیره عقلا

رجوع مغرور به غار امری عقلانی بوده و بهترین دلیل جواز آن سیره عقلاست. عقلا اگر مورد تغیر دیگری قرار گیرند و از این جهت متضرر شوند، برای اخذ خسارت به غار رجوع می کنند. در مورد این سیره از جانب شارع ردعی به ما نرسیده است و بلکه روایات پیشین این سیره را تأیید می کند. محقق سبزواری می گوید رجوع مغرور به غار عقلایی است نه تعبّدی، زیرا تمامی اقوام و ملل بلکه نوع بشر در موارد غرور، جهت جبران خسارت به غار رجوع می کنند (سبزواری، ۳۴۷/۱۶). دلّیلت سیره عقلا بر این حکم امری روشن است و بر اساس تفحص صورت گرفته، در میان فقها کسی با آن مخالفت ننموده و حتی شیخ انصاری بر آن ادعای اتفاق کرده است (انصاری، ۱۴۱۳، ج ۳: ۴۹۹).

روشن است که بر طبق سیره عقلا هرگاه مصرف کننده دچار تغیر شده و خسارت ببیند برای احقاق حق خود می تواند به غار رجوع کند. آنچه مهم است این است که آیا بنای عقلا صورت جهل تولیدکننده یا فروشنده غار را هم شامل می شود؟ آیا عقلا در مواردی که قراردادی بین مصرف کننده و تولیدکننده وجود ندارد نیز از این دلیل بهره می برند؟ آیا سیره عقلا بر این مستقر است که مصرف کننده حق دارد پس از علم به تغیر و قبل از ورود خسارت به غار رجوع کند؟ به

این پرسش‌ها که بیانگر رابطه تنگاتنگ ادله ضمان غار و حمایت از مصرف‌کننده است در بخش سوم پاسخ خواهد شد.

## ۲. بررسی مفهوم غرور و رابطه آن با حمایت از مصرف‌کننده

بررسی مفهوم غرور از آن جهت اهمیت دارد که هرچه دایره این مفهوم گسترده‌تر باشد مصادیق بیشتری از گروه مصرف‌کنندگانی که مغرور شده‌اند می‌توانند به ادله ضمان غار تمسک نمایند. مثلاً اگر اثبات شود قصد غار در تحقق غرور شرط نیست، مصرف‌کننده می‌تواند برای دریافت خسارت به تولیدکننده غیر قاصد نیز رجوع کند.

کلمه «غرور» در روایات ذکر نشده اما مشتقات آن مانند «عَرَّ» و کلمات هم معنایش مثل «دگس» در روایات مشاهده می‌شود. لذا لازم است ابتدا معنای غرور و تدلیس تبیین گردد:

**غرور:** در برخی کتب لغت، «غرور» به «غافل کردن» ترجمه شده (راغب، ۱۴۱۲: ۶۰۳) و در برخی دیگر به معنای «خدعه» آمده است (حمیری، ج ۸: ۴۸۸۳). از عبارات لغویون و موارد استعمال این لفظ در عرف روشن می‌شود که غرور به معنای خدعه و چیزی است که ظاهری مخالف باطنش دارد و غار کسی است که شخصی را به چیزی رهنمون می‌کند که ظاهری غیر از باطنش دارد.

**تدلیس:** بعضی از لغویون تدلیس بایع را کتمان و اخفای عیب کالا از مشتری معنا کرده‌اند (فیومی، بی تا، ج ۲: ۱۹۸؛ طریحی، ۱۴۱۶، ج ۴: ۷۱). برخی دیگر از لغویون «دگس» را به «ظلمت» معنا کرده و نوشته‌اند مُدَالَسَه به معنای مُخَادَعَه و مخفی نمودن شیء است و تدلیس یعنی اخفای عیب. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴: ۷۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶: ۸۶).

**خدعه:** لسان العرب کلمه «خدعه» را به معنای «اظهار خلاف آنچه مخفی شده» گرفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸: ۶۳) و برخی دیگر «اخداع» را «مخفی کردن شیء» معنا می‌کنند (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۱۵).

دقت در نصوص نشان می‌دهد که در روایاتی با مضامین مشابه، گاه از لفظ «دگس» و گاه از لفظ «عَرَّ» استفاده شده است (حرّاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱: ۲۱۴). به عنوان مثال در روایت سوم، «عَرَّ» و «خَدَعَه» در کنار هم آمده و در یک معنا به کار رفته‌اند. لذا با توجه به عبارات لغویون، و عرف که مرجع در تعیین مفاهیم الفاظ روایات می‌باشد (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ۵۷) و همچنین موارد استعمال

این کلمات در روایات، درمی یابیم که خدعه، غرور و تدلیس معنایی مشابه دارند. نکته قابل توجه اینکه در کتب لغت قیود «علم» و «قصد» در مفهوم غرور، خدعه و تدلیس اخذ نشده است و لذا از نظر لغت عنوان غار قابل اطلاق بر تولیدکننده [یا فروشنده] عالم و جاهل می باشد و منعی ندارد که مصرف کننده حتی به تولیدکننده یا فروشنده ای که جاهل به نواقص، خطرات یا مشکلات کالا بوده، رجوع نماید.

### ۳. سازوکارهای حمایت از مصرف کننده با تمسک به ادله ضمان غار

#### ۳-۱. عدم انحصار ادله ضمان غار به موارد اتلاف دارایی و نقش آن در حمایت از مصرف کننده

در برخی موارد مصرف کننده پیش از خسارت دیدن از ناحیه کالا، متوجه می شود که کالا دارای خطراتی است که در آینده صدماتی به او وارد نموده و دارایی او را تضییع یا اتلاف می کند. مزیت ادله ضمان غار این است که منحصر به موارد تضییع و اتلاف دارایی نیست و مصرف کننده قبل از ورود خسارت هم می تواند به استناد ادله ضمان غار به تولیدکننده یا فردی که کالا را به او فروخته است مراجعه نماید. همان گونه که گفته شد یکی از ادله ضمان غار سیره عقلاست و عقلا در جایی که احتمال بدهند کالا در آینده خساراتی ایجاد می کند و فروشنده آن خطرات را حین معامله بیان نکرده باشد، به غار رجوع نموده و معامله را فسخ می کنند. به عبارتی، غرور از یک جهت اعم از تسبیب می باشد؛ چون ادله ضمان سبب در جایی قابل استفاده اند که زیان زننده موجب تضییع و کاهش دارایی دیگری شود، درحالی که خسارات ناشی از غرور اعم است از تضییع و اتلاف دارایی دیگری (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱: ۱۶۴).

به عنوان مثال مصرف کننده ای خودرویی را با این فرض که دارای ترمز ABS است خریداری می کند. در واقع چون نوع خودروهای موجود در بازار چنین وصفی را دارند و وجود چنین خصوصیتی برای خودرو در ذهن اهل عرف مرتکز است، مصرف کننده این وصف را در هنگام معامله ذکر نمی کند. ترمز ABS در جاده های برفی و لغزنده هدایت خودرو را آسان نموده و مانع سر خوردن خودرو می شود (<http://hyunda.ir>). مصرف کننده پس از مدتی متوجه فقدان وصف مذکور می شود. در چنین مواردی مصرف کننده حق دارد طبق ادله غرور به فروشنده رجوع



نموده و همان‌گونه که عقلاً این روال را دارند معامله را فسخ کند، چون فروشنده او را فریب داده و خودرویی که حداقل اوصاف مرسوم در بازار را ندارد به وی تحویل داده است. واضح است که مصرف‌کننده پس از پی‌بردن به فقدان وصف مذکور صبر نمی‌کند تا در جاده برفی قرار گرفته و پس از عمل نکردن ترمز و اتلاف مال به فروشنده رجوع کند.

البته از یک جهت غرور اخص از تسبیب است؛ در غرور، واقعیت بر مغرور پنهان مانده و فریب خورده است و لذا ادله ضمان غار ناظر به خساراتی می‌باشد که در اثر غرور وارد شده است، اما در تسبیب وجود خدعه ضروری نیست، بلکه در تمام مواردی که مالی ضایع یا تلف شده باشد استناد به ادله ضمان سبب ممکن است.

### ۲-۳. تأثیر «عمومیت ادله ضمان غار نسبت به تغیر قولی، فعلی و سکوتی» در حمایت از مصرف‌کننده

گاهی مشاهده می‌شود که مصرف‌کننده کالایی را تهیه می‌کند که عرفاً یا قانوناً باید به ضمیمه آن هشدارهایی ارائه شده باشد، یا فروشنده باید آموزش‌هایی را برای استفاده از کالا بیان کند ولی تخلف نموده و مصرف‌کننده از این جهت متضرر شده است. در چنین مواردی استناد به ادله ضمان غار راهگشاست. غرور اختصاص به تغیر قولی ندارد، بلکه فعل و حتی سکوت نیز ممکن است منجر به غرور شود. در روایتی در مبحث ادله غرور، حضرت (ع) فردی که زنی را به ازدواج مردی در آورده و عیوب زن را بیان نکرده است ضامن مهریه می‌دانند. عبارت «وَلَمْ يُبَيِّنْ ذَلِكَ لِزَوْجِهَا» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱: ۲۱۴) در این روایت نشان می‌دهد که غرور با سکوت نیز محقق می‌شود. از منظر فقهای امامیه هم سکوت و عدم بیان برای تحقق غرور کافی است (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۴۱۶: ۲۱۷). به عنوان مثال فقها فرموده‌اند در ضمان شخصی که مال غیر را به میهمان می‌خوراند، تفاوتی نیست که به میهمان بگوید این غذا را که ملک من است بخور، یا اصلاً سکوت کند و چیزی نگوید (حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۸: ۱۰۱) عرف عقلاً نیز این امر را در معاملات خود پذیرفته‌اند که مغرور حق دارد به غاری که عرفاً یا قانوناً باید هشدارها یا اطلاعاتی در مورد کالا ارائه می‌داده است، رجوع کند.

بنابراین اگر تولیدکننده یا پزشک تجویزکننده یک دارو به مصرف‌کننده هشدار ندهند که استفاده از این دارو برای زنان باردار دارای عوارض بوده و باعث آسیب به جنین می‌شود، و

مصرف کننده - با بنا گذاشتن به اینکه اگر دارو خطر و عارضه‌ای داشت تولیدکننده یا پزشک بیان می‌کرد - دارو را استفاده و دچار آسیب شود، ضامن می‌باشند؛ چون عقلاً تولیدکننده و پزشک را به دلیل سکوتشان غار تلقی نموده و ضامن می‌دانند چرا که براساس عرف و قانون سکوت آنها در چنین مواردی جایز نیست. البته در صورتی که به دلیل عدم پیشرفت علم هنوز عوارض دارو کشف نشده باشد آنها غار محسوب نمی‌شوند و ضمانتی بر عهده آنان نیست.

### ۳-۳. شرطیت یا عدم شرطیت علم در غار و تأثیر آن در حمایت از مصرف کننده

مسأله شرطیت یا عدم شرطیت علم در غار از این جهت در حمایت از مصرف کننده اهمیت دارد که اگر اثبات شود که ضامن غار مشروط به عالم بودن وی نیست، مصرف کننده در وسعت بیش تری قرار می‌گیرد؛ چرا که برای رجوع به تولیدکننده یا فروشنده‌ای که منجر به ضرر وی شده‌اند نیازی به اثبات عالم بودن آنان نداشته و صرف اثبات غرور و استناد خسارت به آنان برای ضمانشان کافی است.

در باره لزوم عالم بودن غار برای حکم به ضمان او دو دیدگاه مطرح است:

#### ۳-۳-۱. شرطیت علم غار

در دیدگاه اول صدق عنوان غار منوط به علم غار است. امام خمینی<sup>(ره)</sup> می‌فرماید قول به ضمان غار جاهل اولاً متوقف بر اثبات تفاوت غرور با تدلیس و خدیعه، و ثانیاً اثبات اعم بودن غرور از علم و جهل است و این دو مقدمه با مانع مواجه است (موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۴۵۲). برخی از روایات پیشین مانند روایت اول نیز ظهور در عدم ضمان غار در صورت جهل او دارد. در روایت اول آمده است: « فَإِنْ لَمْ يَكُنْ وَلِيَّهَا عِلْمَ بَشِيءٍ مِنْ ذَلِكَ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ » (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۴۰۸). طبق این روایت اگر ولی، عالم به عیب نباشد، ضامن نیست. در این دیدگاه مناقشه می‌شود که از نظر لغت قید علم در غرور و تدلیس و خدعه اخذ نشده است و غرور در لغت اعم از علم و جهل است. درباره روایت مورد استناد نیز در نظریه مختار مطالبی بیان خواهد شد.

#### ۳-۳-۲. عدم شرطیت علم غار

در دیدگاه دوم قائل به عدم شرطیت علم بوده می‌گویند صدق عناوین برخی از افعال احتیاجی به قصد ندارد؛ مثلاً کسی که بدون قصد به دیگری ضربه‌ای وارد می‌کند بر او عنوان ضارب صادق

است. فرد غار نیز هرچند جاهل به فریبنده بودن عملش باشد و قصد فریب نداشته باشد عنوان غار بر او اطلاق می‌شود، چون افعالی مانند غرور، ضرب و اضرار عناوین قصدیه نیستند (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۱۲۷۸).

اشکال کلام مذکور اینکه بین علم و قصد تفاوت وجود دارد و با اثبات عدم شرطیت قصد، عدم شرطیت علم ثابت نمی‌شود.

### ۳-۳-۳. نظریه مختار

برای اینکه غار جاهل نیز مانند غار عالم ضامن است یا خیر، باید مبانی و مستندات ضمان غار را ملاحظه نمود:

اگر دلیل ضمان غار آنچه از آن به عنوان روایت نبوی تعبیر شده باشد، شامل صورت جهل غار نیز می‌شود، چون اطلاق دارد، لکن روایت بودن آن برای ما ثابت نشد هرچند که فقها آن را به عنوان قاعده پذیرفته‌اند. اگر دلیلش روایات باشد، ظهور در مواردی دارد که غار عالم به ضرر باشد مثل روایاتی که در باب تدلیس زن و باب رجوع محکوم علیه به شاهد دروغین وارد شده است (ابن بابویه، ج ۳: ۶۰؛ کلینی، ج ۵: ۴۰۸) و نمونه‌ای از آن در بیان دیدگاه اول ذکر شد.

در صورتی که مدرک ضمان غار این باشد که غار با خسارت و ضرری که بر مغرور وارد نموده باعث اتلاف مال او شده و سبب برای وقوع مغرور در ضرر بوده چون اقوی از مباشر است، در این صورت نیز حکم ضمان غار شامل عالم و جاهل می‌شود (نجم‌آبادی، ۱۴۲۱: ۴۵۰). البته اگر دلیل ضمان غار را این بدانیم، بحث ضمان غار را از حالت استقلال خارج نموده و داخل در قاعده «من اتلف» کرده‌ایم. البته ما در مباحث پیشین وجه تمایز غرور و تسبیب را ذکر نموده و گفتیم تمسک به غرور منوط به اتلاف دارایی نیست و لذا مبحثی مستقل است.

اگر سیره عقلا دلیل ضمان غار باشد، آنان بر این امر توافق دارند که اگر فردی خسارتی به دیگری وارد نماید، ضامن می‌باشد و ظاهراً نزد آنها بین غار عالم و جاهل تفاوتی نیست و به دلیل همین سیره است که مشتری حق دارد به فروشنده‌ای که کالا از غیر مالک خریده است رجوع کند هرچند فروشنده جاهل باشد که مال متعلق به غیر بوده است.

به نظر نگارنده چون عمده دلیل برای ضمان غار سیره عقلاست و آنان بین جاهل و عالم تمایز قائل نمی‌شوند، بنابراین غار در هر دو صورت ضامن است. روایتی که برای شرطیت علم در غار به آن استناد شد نیز نمی‌تواند رادع باشد، چون قوت رادع باید در حد قوت مردوع باشد (ایروانی،

۱۴۲۷، ج ۱: ۱۹۵) و با یک روایت نمی‌توان سیره مذکور را که از قوت و استحکام مناسبی برخوردار است، کنار گذاشت.

علاوه بر این، یکی از راه‌های احراز سیره عقلا استقرار حال عقلا و سلوک عملی آنان است (لجنة الفقه المعاصر، ۱۳۹۸: ۶۰) و با مراجعه به قوانین کشورها می‌توان سیره آنان را احراز کرد. بررسی قوانین ملل مختلف نشان می‌دهد آنها بین غار عالم و جاهل تفاوتی قائل نیستند، زیرا براساس نظریه مسئولیت محض یا نظریه خطر که امروزه در بسیاری از کشورهای اروپایی پذیرفته شده است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۴: ۶۸)، تولیدکننده‌ای که به عیب و خطر کالایش مطلع نباشد نیز مسئول خسارات ناشی از کالای تولیدی‌اش شمرده می‌شود. در قانون کشورهایمانند آمریکا، آلمان، هلند، انگلیس، ایتالیا و دستورالعمل جامعه اقتصادی اروپا، نظریه مسئولیت محض یا نظریه خطر مورد پذیرش قرار گرفته است (محمودزاده، ۱۳۹۱، ۵۹؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۱۹).

با توجه به آنچه بیان شد اگر مصرف‌کننده مورد تغیر قرار گیرد حق دارد به استناد ادله ضمان غار به تولیدکننده جاهل رجوع نماید. به عنوان مثال، اگر مصرف‌کننده زودپزی را خریداری نموده و در حین استفاده از آن به دلیل نقصی که در تولیدش وجود دارد منفجر شود و به مصرف‌کننده خسارت وارد کند، تولیدکننده ضامن جبران خسارت است چه عالم به نقص تولیداتش باشد چه جاهل. ممکن است گفته شود که با تفسیر موسع از ضمان غار، هرچند مصرف‌کننده مورد حمایت قرار می‌گیرد لکن تولیدکننده در مضیقه قرار گرفته و متضرر می‌شود، ولی به نظر ما اگر تولیدکننده بداند حتی در صورت جهل به نواقص و خطرات کالا نیز ضامن است کالا را بیمه کند تا خسارات جبران شود (آزادی، ۱۳۹۱، ۶۹). هم‌چنین در تولید کالا بیش‌تر دقت می‌کند و احتیاط لازم را به عمل می‌آورد تا خسارتی متوجه او و مصرف‌کننده نگردد.

#### ۴-۳. اشتراط قصد در غرور

درباره شرطیت قصد خدعه از جانب غار، گروهی می‌گویند برای حکم به ضمان غار، علاوه بر علم، قصد ایقاع مغرور در خلاف واقع نیز شرط می‌باشد، چون غرور از عناوین قصدیه بوده که متقوم بر قصد است (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۴۱۸، ۱: ۲۰۰). عده‌ای هم معتقدند چون غرور از عناوین قصدیه نیست پس نه علم در آن شرط است نه قصد خدعه (بجنوردی، ۱۴۱۹، ۱: ۲۷۸).

به نظر نگارنده میان شرطیت علم در غار و شرطیت قصد تفاوت وجود دارد و ما هرچند دخالت علم در معنای غرور را بپذیریم مستلزم این نیست که غرور از عناوین قصدیه باشد. در بسیاری از موارد فروشنده از عیوب کالای خود مطلع است، اما قصد فریب خریدار را ندارد، مثل مواردی که فروشنده به اشتباه یا از روی غفلت کالای معیوب را که در انبار گذاشته به فروشنده می‌دهد. برخی فقها نیز به این مطلب تصریح کرده‌اند که اگر غار عالم باشد و قصد تغیر نداشتند باشد اما عملش در غرور اثر داشته باشد عنوان غار بر او صادق است (مراغی حسینی، ۱۴۱۷، ۲: ۴۴۱). براین اساس اگر تولیدکننده کالای برقی علم داشته باشد که استفاده از این کالا در محیط مرطوب به احتمال قوی موجب آتش‌سوزی می‌شود، اما به هنگام فروش کالا از این مسأله غافل شود یا اینکه گمان کند مصرف‌کننده این کالا را در محیط مرطوب به کار نمی‌گیرد و لذا این موضوع را به او اطلاع ندهد و به مصرف‌کننده از همین ناحیه خسارتی وارد شود، اطلاق عنوان غار بر تولیدکننده صحیح بوده و طبق ادله غرور ضامن می‌باشد، هرچند که قصد فریب نداشتند است. البته کسانی که علم غار را شرط ضمان وی نمی‌دانند به طریق اولی شرطیت قصد را معتبر نمی‌شمارند.

### ۵-۳. پیش فرض عالم بودن غار متخصص و نقش آن در حمایت از مصرف‌کننده

در صورتی که قائل شویم حکم به ضمان غار منوط به عالم بودن است، آیا درباره افراد حرفه‌ای مثل تولیدکننده که مرتکب تغیر می‌شوند می‌توان پیش فرض را بر عالم بودن گذاشت یا مصرف‌کننده باید آن را اثبات کند؟

از نظر عقلا، اشخاصی که در شغل و حرفه‌ای ورود کرده‌اند مسلماً تخصص لازم در آن زمینه را داشته‌اند. فرض عرف بر این است که فرد متخصص و حرفه‌ای مانند تولیدکننده، عالم به زیر و بم تولیدات خود است و از خطرات یا ناسالم بودن یا دیگر نواقص کالایش اطلاع دارد. مثلاً اگر تولیدکننده دارو یا لوازم خانگی ادعا کند که از عوارض دارو یا خطرات کالا اطلاعی نداشته، عرف این عذر را قبول نمی‌کند چون او باید از دانش و تخصص کافی برای ورود به عرصه تولید بهره‌مند باشد و قبل از عرضه کالا به بازار مصرف، آن را بارها آزمایش کرده و از عوارض و خطرات احتمالی آن آگاهی کامل داشته باشد.

بنابراین از نظر عرف، فرض اولیه بر عالم بودن تولیدکنندگان است، مگر آنکه با قرائن و شواهد خلاف آن اثبات شود. لذا در صورتی که از ناحیه کالا خسارتی به مصرف‌کننده وارد شود

نیازی نیست که مصرف کننده علم تولیدکننده به خسارت بار بودن کالا را ثابت کند. در مورد افراد غیر متخصص هم باید ملاحظه کرد آیا عرف فرض اولیه را بر عالم بودن وی می گذارد یا خیر. برخی از روایات مانند روایت اول و دوم ظهور در این دارد که حضرت<sup>(ع)</sup> پیش فرض را بر عالم بودن غار گذاشته اند؛ چرا که امام<sup>(ع)</sup> ابتدا حکم صورت عالم بودن ولی را مطرح کرده اند و فرض اولیه را بر این گذاشته اند که ولی عالم است، و در ادامه حکم صورتی که ولی عالم نبوده را بیان نموده اند: «فَإِنْ لَمْ يَكُنْ وَلِيَّهَا عِلْمَ بَشِيءٍ مِنْ ذَلِكَ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۴۰۸) یعنی اگر خلاف فرض اولیه ثابت شد، چیزی بر عهده وی نیست.

البته در بحث پیشین اثبات شد که در تمسک به ادله ضمان غار تفاوتی میان غار عالم و جاهل نیست و لذا حتی در صورتی که پیش فرض بر عالم بودن غار نباشد، مصرف کننده می تواند به غار رجوع نماید بدون اینکه نیازی به اثبات علم او داشته باشد.

### ۳-۶. لزوم آگاه سازی مصرف کننده براساس ادله ضمان غار

امروزه به دلیل توسعه زندگی شهری و پیشرفت علم و صنعت، استفاده از برخی کالاها نیاز به آموزش هایی دارد که عدم ارائه این آموزش ها به خسارت مصرف کننده می انجامد. به علاوه، بعضی از کالاها دارای خطراتی برای مصرف کننده هستند. مثلاً استفاده از وسایلی مانند مایکروفر، یا خوردن خوراکی های حاوی مواد تراریخته به سلامت افراد آسیب می رساند، همچنین معالجه با برخی داروها عوارض جانبی بر مصرف کننده برجای می گذارد که جبران آنها ناممکن است. از این رو برخورداری از حق آموزش (باخدا، ۱۳۹۶: ۳۶) و حق آگاهی از خطرات کالا (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۵۱) را از حقوق مصرف کننده دانسته اند. همچنین الصاق برچسب اطلاعاتی بر روی محصولات که مبین شناسنامه کالا است از حقوق مصرف کننده به شمار می آید (آزادی، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

در قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان آمده است: «عرضه کنندگان و تولیدکنندگان مکلفند اطلاعات لازم شامل نوع، کیفیت، کمیت، آگاهی های مقدم بر مصرف، تاریخ تولید و انقضای مصرف را در اختیار مصرف کنندگان قرار دهند (قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان، ۱۳۸۸، ماده ۳). لکن در این قانون ضمانت اجرایی برای تخلف از این ماده قانونی بیان نشده است! حال باید بررسی کرد که براساس ادله ضمان غار رجوع مصرف کننده به تولیدکننده یا عرضه کننده کالا که آموزش های لازم را ارائه نداده یا خطرات کالا را بیان نکرده، یا بر چسب

اطلاعاتی روی کالا الصاق نکرده جایز است؟ برای پاسخ به این سؤال باید بدانیم مفهوم غار بر مصادیق مذکور قابل انطباق است یا خیر.

در بحث تطبیق مفهوم بر مصداق دو نظریه وجود دارد: گروهی قائلند که تطبیق مفهوم بر مصداق دائرمدار واقع است و لذا مرجع در تطبیق مفاهیم بر مصادیق عقل است نه عرف؛ زیرا عرف مسامحه در تشخیص دارد و حال آنکه مطلوب، مصداق واقعی است نه مصداق مسامحی. عرف در تعیین حدود مفاهیم مرجع است نه در تطبیق مفاهیم بر مصادیق (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ۵۷؛ نائینی، ۱۳۷۶، ج ۴: ۴۹۴). گروهی بر این عقیده‌اند که عرف هم در تشخیص مفاهیم مرجع است و هم در تطبیق مفاهیم بر مصادیق. آنچه عرفاً مصداق نباشد، نمی‌تواند مصداق برای مفهومی که حکمی شرعی بر آن واقع شده است قرار گیرد (حائری‌یزدی، ۱۴۱۸: ۵۸۰). امام خمینی<sup>(ره)</sup> در پاسخ به اینکه عرف مسامحه در تطبیق دارد می‌فرماید تسامح عرفی در هیچ موردی میزان نیست: نه در تعیین مفهوم و نه در تشخیص مصداق. بلکه مراد از اخذ از عرف، همان عرف با دقتش در تشخیص مفاهیم و مصادیق است (موسوی خمینی، ۱۳۸۱، ۲۱۹ و ۲۲۰).

از نظر نگارنده نظریه اخیر به واقع نزدیک‌تر است و لذا تطبیق مفاهیمی مانند غار بر مصادیقش را باید به عرف با دقت واگذار نمود. با رجوع به عرف مشخص می‌شود اگر تولیدکننده یا عرضه‌کننده کالا علم داشته باشد که استفاده از آن نیاز به آموزش دارد، یا اینکه آموزش استفاده کالا جزو ملزوماتش تلقی شود، و با این حال آموزش‌های لازم را به مصرف‌کننده ارائه نکند، یا در مورد کالایی که احتمال می‌دهد استفاده از آن خطراتی در پی خواهد داشت هشدارهای کافی را به مصرف‌کننده ندهد، وی مرتکب تغیر شده و مصداقی برای عنوان غار است. مثلاً اگر تولیدکننده خودرو به مصرف‌کننده اطلاع ندهد که باید از کدام روغن موتور برای خودرو استفاده کند و مصرف‌کننده از روغن موتورهای ناسازگار استفاده نموده و خودرو معیوب شود، حق دارد به استناد ادله ضمان غار به او رجوع کرده و طلب خسارت کند.

هم‌چنین از نظر عرف تولیدکننده محصولات تراریخته باید روی بسته‌بندی کالا، مصرف‌کننده را از تراریخته بودن آن آگاه کند و عدم درج این موضوع نوعی غرور تلقی می‌شود و تولیدکننده در برابر مصرف‌کننده ضامن است.

سیره عقلا بر این استقرار دارد که حتی اگر مصرف‌کننده پیش از مصرف کالا دریابد که استفاده از آن نیاز به آموزش دارد، یا قبل از خسارت دیدن از کالا، متوجه شود که کالا دارای

خطرات و آسیب‌هایی است، حق دارد تولیدکننده را مؤاخذه کند که چرا هشدارهای لازم را نداده و او را مغرور نموده است. واضح است که اگر عقلا اطمینان به خطر یا ضرر کالا پیدا کنند منتظر نمی‌مانند تا دچار خسارت شوند و سپس به تولیدکننده رجوع نمایند!

### ۷-۳. تمسک مصرف‌کننده به ادله ضمان غار در روابط غیر قراردادی

حمایت از مصرف‌کنندگان در برابر تولیدکنندگانی که کالایشان نقصان کمی یا کیفی دارد یا اجناس تقلبی یا غیر بهداشتی به بازار عرضه می‌کنند، ضروری است. هرگاه که بین مصرف‌کننده و تولیدکننده رابطه قراردادی وجود داشته باشد، مصرف‌کننده از طریق خیاراتی مانند خیار عیب و تخلف وصف و شرط می‌تواند حق خود را مطالبه کند، لکن در موارد زیادی کالا را فردی غیر از مصرف‌کننده خریده است و رابطه قراردادی بین مصرف‌کننده و تولیدکننده وجود ندارد، یا اینکه بین مصرف‌کننده نهایی و تولیدکننده یک یا چند واسطه فروش وجود دارد.

تصور کنید شخصی یک دستگاه بخاری گازسوز خریداری نموده و آن را به فردی که تازه ازدواج کرده هدیه می‌دهد. علی‌رغم اینکه غالب و نوع بخاری‌های موجود در بازار مجهز به سنسور ODS می‌باشد (<http://khedmatazma.com>) بخاری خریداری شده چنین خصوصیتی نداشته و تولیدکننده در برگه راهنمایی که به کالا ضمیمه نموده به این مطلب اشاره نکرده و فروشنده نیز حین معامله این نکته را به خریدار گوشزد نمی‌کند. متهم بخاری را مورد استفاده قرار داده و در یک برهه از زمان به علت مسدود شدن دودکش، گاز منوکسید کربن در فضای خانه پخش شده و سطح اکسیژن کاهش می‌یابد و به دلیل فقدان سنسور ODS شعله بخاری خاموش نمی‌شود و یکی از اعضای خانواده فوت می‌کند. در اینجا متهم نمی‌تواند به استناد خیاراتی مانند خیار عیب یا خیار تدلیس به فروشنده رجوع کند چون بین او و فروشنده رابطه قراردادی وجود ندارد، اما آیا به عنوان مصرف‌کننده حق دارد برای جبران خسارت به استناد ادله ضمان غار به تولیدکننده یا عرضه‌کننده رجوع نماید؟

با توجه به اینکه یکی از ادله ضمان غار بنای عقلاست و عقلا در چنین مواردی شخص غار را ضامن می‌دانند، مراجعه مصرف‌کننده به فروشنده جایز است. در حقیقت سیره عقلا بر این استقرار دارد که غار را ضامن عیب و خسارت ناشی از کالایش می‌داند و بین مصرف‌کننده‌ای که خودش به طور مستقیم کالا را تهیه کرده و مصرف‌کننده‌ای که با یک یا چند واسطه کالا به دست او



رسیده است تفاوت قائل نمی‌شود، و آنچه در نظر آنان اهمیت دارد این است که غار نسبت به عیب و خسارت کالایش ضامن است و ضرر فرد مصرف‌کننده باید توسط غار جبران شود و فروشنده نمی‌تواند به دلیل عدم وجود رابطه قراردادی از مسئولیت جبران ضرر شانه خالی کند. در مثال فوق نیز عقلاً بدون شک هم تولیدکننده بخاری را به دلیل ضمیمه نکردن خصوصیات و برجسب اطلاعاتی به کالا ضامن می‌شمارند و هم فروشنده‌ای که نقص کالا را ذکر نکرده است مسئول می‌دانند.

نتیجه اینکه در رجوع به ادله ضمان غار اثبات رابطه قراردادی لازم نیست و مصرف‌کننده از این جهت در وسعت و گشایش قرار دارد. با توجه آنچه گفته شد، اگر تولیدکننده کالایی را که کیفیتش از متوسط کیفیت کالاهای موجود در بازار پایین‌تر است، یا از استانداردهای لازم برخوردار نیست به بازار عرضه کند، از نظر عرف غار محسوب می‌شود. نقصان در کمیت کالای تولیدی، فروش کالا به قیمت گزاف، تقلب در معامله نیز عرفاً از مصادیق غرور و خدعه به شمار می‌آید و بر اساس ادله غرور ضمان آور است.

از دیگر موارد مواجهه مصرف‌کننده با آسیب، جایی است که تولیدکننده یا فروشنده با تبلیغات دروغین یا غلوآمیز از اعتماد مصرف‌کننده سوء استفاده نموده و کالایی را خلاف آنچه توصیف شده به او عرضه می‌کند.

در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان آمده است: «تبلیغات خلاف واقع و رایه اطلاعات نادرست که موجب فریب یا اشتباه مصرف‌کننده از جمله از طریق وسائل ارتباط جمعی، رسانه‌های گروهی و برگه‌های تبلیغاتی شود، ممنوع است» (قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، ۱۳۸۸، ماده ۷). البته مانند بسیاری از مواد دیگر این قانون، برای تخلف از این ماده قانونی ضمانت اجرای مشخصی پیش‌بینی نشده است!

از نظر فقه امامیه برای حمایت مصرف‌کننده‌ای که در اثر تبلیغات اغواگرانه و خلاف واقع متضرر شده از خيارات می‌توان بهره برد، اما همان‌گونه که بیان شد استناد به آنها محدود به روابط قراردادی است. لکن در این بحث نیز استفاده از ادله غرور راهگشاست؛ چون بنا بر سیره عقلا، در رجوع به غار وجود رابطه قراردادی لازم نیست، ضمن اینکه تدلیس و غرور معنایی مشابه دارند و اگر رفتار تولیدکننده در مخفی نمودن بخشی از حقیقت کالا، یا در بیان ویژگی‌های دروغین برای کالا به گونه‌ای باشد که از نظر عرف تدلیس شمرده شود، استناد به ادله غرور صحیح است. لذا

اگر تولیدکننده به دروغ خصوصیت‌هایی را برای کالا بیان کند که وجود یا عدمش تأثیر قابل ملاحظه‌ای در قیمت کالا دارد غار تلقی می‌شود و ضامن است. البته اگر کالای ارائه شده با آنچه تبلیغ شده از نظر دقت عقلی تفاوت‌هایی داشته باشند که عرفاً قابل اعتنا نیست، انتساب مفهوم غار به تولیدکننده صحیح نیست؛ زیرا مرجع در تطبیق مفاهیم بر مصادیق عرف است و نه دقت عقلی. (حائری یزدی، ۱۴۱۸: ۵۸۰)

در مواردی که شک داریم مفهوم غرور و تدلیس بر یک مصداق معین قابل تطبیق است یا خیر، رجوع به ادله ضمان غار صحیح نیست. مثلاً اگر تولیدکننده کالا را به گونه‌ای تبلیغ نماید که مصرف‌کننده تصور کند این کالا با ذاتقه و سلیقه او مطابقت دارد، ولی پس از تهیه کالا متوجه شود اینگونه نبوده است، شک می‌کنیم که آیا عرف چنین مواردی را هم غرور تلقی می‌کند یا خیر، و از آنجا که عرف دلیل لئی است باید به قدر متیقن اکتفا نمود. به عبارت دیگر، تمسک به ادله ضمان غار، در مصداقی که شک در انطباق مفهوم غار بر آن داریم، تمسک به دلیل در شبهه مصداقیه خود دلیل می‌باشد که جایز نیست (صدر، ۱۴۱۸، ۲: ۵۶۱).

### ۸-۳. مسئولیت عرضی تولیدکننده و واسطه‌های فروش به مثابه مؤلفه حمایت از مصرف‌کننده

گاهی مصرف‌کننده به دلیل معونه و هزینه‌ای که برای مطالبه خسارت باید صرف کند از درخواست خود منصرف می‌شود. به عنوان مثال، مصرف‌کننده‌ای که ساکن کرمان است کالایی را از فروشنده جزء در همان شهر خریداری می‌کند. کالای خریداری شده معیوب بوده و مصرف‌کننده اگر بخواهد از تولیدکننده شکایت کند باید هزینه و وقت زیادی را برای رفت و آمد به محل استقرار خواننده که در تهران است صرف کند و با ملاحظه همین هزینه‌ها از مطالبه خسارتش منصرف می‌شود. بنابراین در مواضعی که مصرف‌کننده مورد تغیر واقع می‌شود، هرچه بر تعداد افرادی که رجوع به آنها جایز است افزوده شود و هرچه مطالبه خسارت برای مصرف‌کننده آسان‌تر باشد، او بیش‌تر مورد حمایت قرار می‌گیرد. در مثال پیشین، اگر مصرف‌کننده حق داشته باشد به فروشنده جزء که کالا را از وی خریداری نموده رجوع نماید، دیگر نیازی به صرف وقت و هزینه رفت و آمد به تهران ندارد. لذا باید بررسی کرد که آیا مصرف‌کننده که مغرور شده است فقط حق رجوع به تولیدکننده را دارد یا به واسطه‌های فروش هم می‌تواند رجوع کند؟ ضمان تولیدکننده و عرضه‌کننده طولی است یا عرضی؟

از دیدگاه عرف و براساس سیره عقلا، تفاوتی نیست که مصرف‌کننده توسط تولیدکننده مغرور شود یا عرضه‌کننده؛ هر کدام در تغیر و خسارت وی نقش داشته باشد در مقابل مغرور ضامن است. حتی اگر واسطه فروش از عیب کالا یا خطرات آن مطلع نباشد هم رجوع مصرف‌کننده به او جایز است، چون علم در ضمان غار شرط نیست. لکن، در نهایت، ضمان بر تولیدکننده مستقر است و فروشنده پس از آنکه به مصرف‌کننده خسارت را بپردازد حق دارد به تولیدکننده رجوع کند، زیرا تولیدکننده سبب اصلی خسارت است و از طرفی اگر فروشنده جاهل باشد او نیز نسبت به تولیدکننده مغرور محسوب می‌شود.

علاوه بر سیره عقلا، توجه به برخی از روایات باب غرور این دیدگاه را اثبات می‌کند: از یک طرف، در روایت اول که در بخش اول بیان کردیم فردی با پنهان کردن عیب دخترش، او را به ازدواج مردی در آورده است. عبارت «يَأْخُذُ الزَّوْجَ الْمَهْرَ مِنْ وَلِيِّهَا الَّذِي كَانَ دَلَّسَهَا» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۴۰۸) در این روایت دلالت دارد که زوج سابقاً مهر را پرداخته و حال می‌تواند به ولی که غار است رجوع کند.

در روایت دیگری عبارت «يُدْفَعُ إِلَيْهِ الْمُبْتَاعُ قِيمَةَ الْوَلَدِ وَ يَرْجِعُ عَلَيَّ مَنْ بَاعَهُ بِثَمَنِ الْجَارِيَةِ وَ قِيمَةَ الْوَلَدِ الَّذِي أَخَذَتْ مِنْهُ» (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۸۴) نیز همین مطلب را تداعی می‌کند. طبق این دسته از روایات فرد خسارت دیده ابتدا به مغرور رجوع می‌نماید و مغرور هم به غار رجوع می‌کند. از طرف دیگر در روایت دوم که قضیه‌ای مشابه روایت اول دارد، کلام امام (ع) ظهور در این دارد که مهریه بر عهده ولی بوده و لذا زوجه ابتدائاً حق مطالبه مهر از ولی را دارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۴۰۷). از برخی دیگر از روایات نیز ظاهر می‌شود که ضمان از ابتدا بر عهده ولی که مرتکب تغیر شده می‌باشد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۴۰۸). طبق این دسته از روایات فرد خسارت دیده می‌تواند از ابتدا به غار رجوع نماید.

جمع بین این دو دسته روایت به این است که ضمان هم بر عهده مغرور و هم بر عهده غار است؛ مانند ضمان در ایادی متعاقبه که صاحب مال حق دارد به هر یک که بخواهد رجوع کند. لکن اگر فردی که دچار ضرر شده به مغرور رجوع نماید، مغرور نیز به غار رجوع می‌کند و در نهایت ضمان بر غار مستقر است (موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۲۵۵-۲۵۸). برخی از فقهای معاصر نیز در بحث طعام مغضوب، رجوع به آکل و غاصب در عرض یکدیگر را جایز شمرده‌اند (مکارم شیرازی، ج ۲: ۲۹۱).

نتیجه اینکه براساس سیره عقلا و روایات، هرگاه چند نفر در خسارت به مغرور نقش داشته باشند، وی حق دارد به هریک که بخواهد رجوع نماید، ولی ضمان در نهایت بر سبب اصلی خسارت، یعنی کسی که در اولین معامله مرتکب غرور شده است، مستقر می‌باشد. پس اگر مصرف‌کننده از فروشگاه لوازم الکترونیکی رایانه‌ای تهیه کند و پس از مدتی متوجه تقلبی بودن برخی قطعات آن شود، حق دارد به هر کدام از فروشنده یا تولیدکننده که بخواهد رجوع نماید. لکن اگر فروشنده جاهل به عیب یا خطر کالا باشد، حق دارد پس از پرداخت خسارت به تولیدکننده‌ای که مرتکب تغیر شده و سبب اصلی خسارت است رجوع نماید.

### نتیجه‌گیری

۱. با توجه به ادله ضمان غار که اختصاص به بایی از ابواب فقه ندارد، مصرف‌کننده حق دارد به تولیدکننده یا فروشنده‌ای که با قول، فعل یا سکوت به او خسارت وارد نموده رجوع کند بدون آنکه نیاز به اثبات عالم یا قاصد بودن غار داشته باشد.
۲. مصرف‌کننده با استناد به ادله ضمان غار مورد حمایت جدی واقع می‌شود، چون این امکان برایش فراهم می‌شود که هم در روابط قراردادی و هم روابط غیر قراردادی، و هم قبل از بروز خسارت و اتلاف و هم پس از آن به غار رجوع نماید.
۳. عرف مرجع در تطبیق مفاهیم غار و مغرور بر مصادیقی چون تولیدکننده و مصرف‌کننده می‌باشد و براین اساس حکم ضمان غار نسبت به آن دسته از تولیدکنندگانی که آموزش لازم را ارائه نکرده، یا نسبت به خطرات کالا هشدار نداده، یا کالای ناقص از لحاظ کمی یا کیفی عرضه کرده، یا تبلیغات خلاف واقع به مصرف‌کننده القا نموده‌اند، جاری است.
۴. براساس جمع بین روایات و همچنین سیره عقلا، مصرف‌کننده حق دارد در خسارات وارده یا خسارات متیقن‌الحصول در آینده، به هر کدام از تولیدکننده یا واسطه‌های فروش رجوع کند و افرادی که در تغیر او نقش داشته‌اند در عرض یکدیگر ضامن هستند، البته در نهایت ضمان بر تولیدکننده‌ای که سبب خسارت بوده مستقر است.

### پی‌نوشت:

۱. «عن ابی عبیده عن ابی جعفر<sup>(ع)</sup> قال: فی رجل تزوج امرأة من ولیها فوجد بها عیباً بعد ما دخل بها قال فقال إذا دُلست العفلاء والبرصاء والمجنونَةُ والمفضاة و من كان بها زمانة ظاهرة فإنها تُردُّ علی أهلها من غیر طلاق و يأخذ الزوج المهر من ولیها الذی كان دكسها فإن لم یكن ولیها علم بشيء من ذلك فلا شيء علیهِ و تُردُّ إلى أهلها».
۲. «عن إسماعیل بن جابر قال: سألتُ أبا عبد الله<sup>(ع)</sup> عن رجل نظر إلى امرأة فأعجبته ... فأتی أباهَا فقال زوجنی ابنتك فزوجه غيرها فولدت منه فعلم أنها غیر ابنته و أنها أمه فقال یردُّ الولیده علی مولاها و الولد للرجل و علی الذی زوجه قیمة ثمن الولد یعطیه موالی الولیده كما عرَّ الرجل و خدعه».
۳. علاوه بر این روایات، روایات متعدد دیگری هم در بحث غرور وارد شده است (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۲۷۴).

### منابع

- آخوند خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۰۹ق.) کفایه الأصول، قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت علیهم السلام، چاپ اول.
- آزادی، محمدرضا. (۱۳۹۱) حقوق کاربردی مصرف‌کننده، تهران: مجد، چاپ اول.
- ابن بابویه صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق.) من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق.) لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم.
- ابن فارس، ابوالحسین احمد. (۱۴۰۴ق.) معجم مقائیس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۵ق.) المکاسب، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول.
- ایروانی، باقر. (۱۴۲۷ق.) دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری، قم: بی‌نا، چاپ دوم.

- باخدا، دانیال. (۱۳۹۶) «مطالعه تطبیقی جایگاه قاعده تحذیر در حمایت از مصرف کننده در حقوق ایران و انگلستان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- بجنوردی، سید حسن. (۱۴۱۹ق.) القواعد الفقهیه، قم: الهادی، چاپ اول.
- حائری یزدی، عبدالکریم. (۱۴۱۸ق.) دررالفوائد، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ ششم.
- حرّعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق.) تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول.
- حسینی عاملی، سید جواد. (۱۴۱۹ق.) مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- حسینی شاهرودی، سیدعلی. (بی تا) محاضرات فی الفقه الجعفری، تقریرات درس آیه الله خویی، قم: دارالکتاب الاسلام، چاپ اول.
- حمیری، نشوان بن سعید، (۱۴۲۰ق.) شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکوم، بیروت: دارالفکر المعاصر، چاپ اول.
- خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۰۹ق.) مبانى العروه الوثقی، قم: منشورات مدرسه دار العلم، چاپ اول.
- راغب، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق.) مفردات ألفاظ القرآن، لبنان: دار العلم - الدار الشامیه، چاپ اول.
- سیزواری، سید عبد الاعلی. (۱۴۱۳ق.) مهذب الأحکام، قم: مؤسسه المنار، چاپ چهارم.
- صدر، سید محمد باقر. (۱۴۱۸ق.) دروس فی علم الأصول، چاپ پنجم، قم: انتشارات اسلامی.
- صفایی، سید حسین؛ رحیمی، حبیب الله. (۱۳۹۴) مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران: سمت، چاپ هشتم.
- طریحی، فخر الدین. (۱۴۱۶ق.) مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۹۰) الاستبصار، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ اول.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق.) تذکره الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد. (۱۴۱۶ق.) القواعد الفقهیه، قم: چاپخانه مهر، چاپ اول.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد. (۱۴۱۸ق.) تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسيله - الحجج لبنان: دار التعارف للمطبوعات، چاپ دوم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق.) کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
- فشارکی، سید محمد. (۱۴۱۳ق.) الرسائل الفشارکیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.

- فیومی، احمد بن محمد. (بی تا) المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: منشورات دار الرضی، چاپ اول.
- قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان، مصوب ۱۳۸۸.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷) الزامات خارج از قرارداد (ضمنان قهری)، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق.) الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
- کرکی عاملی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ق.) جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البیت، چاپ دوم.
- لجنه الفقه المعاصر. (۱۳۹۸) الفائق فی الاصول، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، چاپ پنجم.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۴۰۶ق.) قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم.
- محمود زاده، مژگان. (۱۳۹۱) «مسئولیت مدنی ناشی از عرضه کالا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: مؤسسه آموزشی علامه محدث نوری.
- مراغی حسینی، سید میر عبدالفتاح. (۱۴۱۷ق.) العناوین الفقہیہ، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۱ق.) القواعد الفقہیہ، قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>، چاپ سوم.
- موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۱) الاستصحاب، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ره)</sup>، چاپ اول.
- موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۱ق.) البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ره)</sup>، چاپ اول.
- موسوی خمینی، سید مصطفی. (۱۴۱۸ق.) کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ره)</sup>، چاپ اول.
- نجم‌آبادی، ابوالفضل. (۱۴۲۱ق.) الرسائل الفقہیہ: تقریرات درس، محمد حسین نائینی؛ آقا ضیاء‌الدین عراقی؛ علی کزازی، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا<sup>(ع)</sup>، چاپ اول.
- نائینی، میرزا محمد حسین. (۱۴۱۳ق.) المکاسب و البیع، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- نائینی، میرزا محمد حسین. (۱۳۷۶) فوائد الأصول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.

- نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ق.) جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ ہفتم.
- نراقی، احمد بن محمد مہدی. (۱۴۱۵ق.) مستند الشیعہ فی أحكام الشریعہ، قم: مؤسسہ آل البيت، چاپ اول.
- <http://hyunda.ir>
- <http://khedmatazma.com>